پرچم

وافغانستان دخلک دموکراتیک انګلوفونیه پوهنتون

۲۱ دلو ۱۳۴۷

رویدادهای مهم

جهان در هفتهٔ گذشته

قاهره :

جمال عبدالناصر رئیس جمهور عربی متحد ضمن مصاحبه مطبوعاتی با نماینده نیوزویک گفت: صلح برای شرق میانه یک چیز ضروریست واین برای تمام کشور ها مفید می باشد .

جمال ناصر گفت: امپریالیزم امریکا از اسرائیل به صورت همه جانبه پشتیبانی میکند و اسرائیل به اتکای امریکا به هیچ فیصله ئی تن در نمیدهد. اسرائیل فیصله نامه نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت را قبول ندارد.

جمال ناصر سیاست در رویه امریکا را مورد انتقاد شدید قرارداده گفت: امریکا در برخی موارد ظاهراً از سیاست اسرائیل انتقاد می کند، مگر در باطن اسرائیل به سیاستی عمل مینماید که امریکا به او هدایت میدهد. جمال ناصر از سیاست شوروی در شرق میانه تذکر داده و آنرا ربما خوانده.

او سیاست شوروی را یک سیاست صلحجویانه تلقی کرده گفت: شوروی دایما از اعراب پشتیبانی مینماید .

مسکو :

ـ روز نامه ایزوستیا چاپ شوروی ضمن تبصره به تحریکات غرض آلود دول غربی مینویسد : « سرحدات کشورهای سوسیالیستی دست نا خوردنی است. هیچ قدرتی وجود ندارد که ازین سرحدات رابه نفع خود تغییر بدهد.»

ـ رئیس جمهوری پمن جنوبی حسن باذریدر ازشهر ولکاگراد شوروی گفت : «ما از مبارزات و شجاعت مردمان شما در راه تارو ـ مار کردن آلمان فاشیستی ستایش مینمائیم واین شجاعت نقش تاریخ است .»

پاریس :

کنفرانس چهار جانبهٔ صلح پاریس هنوز به کدام نتیجه ئی نرسیده. مبا حثه ای نمایندگی چهار گانه دربارهٔ کنفرانس مطبوعاتی راجع به موقف شان در کنفرانس پاریس توضیحات دادند . خوان توی رئیس نمایندگی ویتنام شمالی در نخستین جلسه کنفرانس اظهار داشت : «مقصد کنفرانس چهار گانه پاریس یافتن راه حل سیاسی موضوع ویتنام براساس احترام به حقوق عمده ملی مردم ویتنام میباشد. « این حقوق عبارتند از استقلال، حاکمیت وحدت و تمامیت ارضی که موافقت نامه های ۱۹۵۴ ژنیو آنرا شناخته است. بایدحل این پرابلم در اساس مبنی بر اساس میثاق جنوبی باشد . نمایندهٔ جبههٔ آزادیبخش ملی گینی بزگالی اطلاع داد که بیروزی های بزرگ در بین اواخر نصیب مبارزین شده .

« ۲۶۳ » کشتی ودهها طیاره بزگالی توسط مبارزین نابود شده .

« ۱۹۰۰ » فعال در پنج حصه گینی بزگال در زیر اداره وطنپرستان

دکندهار د بین المللی هوایی میدان دیخوانی خبر تفصیل :

د کندهار د بین المللی هوایی ډګر

دفنی ماموریتو او کار کونکو اعتصاب په بریالیتوب پای ته ورسید

د کندهار بین المللی هوایی ډګر کې، وظیفو او تجیب کار کوونکی او فنی ماموریتو لاس یه قانونی اعتصاب پورې کړل. داعتصاب سترې اومهم مطالبات داوه : د پاتې ږنې او منطقوی معاشاتو د مساوی حل. دکار لیارې دښوشرائطو برابرول. دمیدان دآمریت دضدقانونی او ضد انسانی کرامت اداری شیوه خنول. دمیدان داداری په راس کې دښمنو اویاکو نفسو اشخاصومقرروول. دبې سالمې اداری تنظیم. داخلاص اولاس وهلو مخنیوی. پخپل پاکاملی دوديګې اوتوکو نو نورو هم مستقبل کې قانونی مجاهدو نو کړې.

د پورتنی وضعی په مقابل کې دمیدان وظیفو کار کونکو او فنی ماموریتو لاس یه قانونی اعتصاب پورې اتحاد او یافشارې له کیله و کولې شول کړل. داعتصاب دیرش اومهم مطالبات دیوې هفتې دننه ومنل شول او اوتلسګونه نور کارکوونکي دخپلو دندو ته بیرته راوګرځیدل.

خبرواپی چه دکندهار دبین المللی هوایی ډګر کارکونکو دخپل تړون، فنی کار کونکی دی بری نه ورسوله. دوباره خپلو کارونو نه را ستانه شول. دوی فیصله وکړه چه دخپلو نورو هم ملګرو دی بری ته ورسوی.

دکندهار دبین المللی هوایی میدان دفنی کار کونکی دی بری نه ورسوله. آینه روښنه پر سیمادنی دا .

موانع ضد قانونی در برابر نشر

ادبیات زبانهای از بکی و ترکمنی افغانستان

بر چم تا شیر اندیشه های به شعبهٔ مدکور در پرابر نشر دمور کراتیک خلق افغانستان ،بخاطر شعبهٔ مدکور در پرابر نشر خدمت در اه احیا و انکشاف زبان بدلیل اینکه مقام ریاست مطبع به ، های افغانستان و دفاع از غنا ی پژبانهای «ازبکی» و «ترکمنی» و در هنگی کشور آثاریرا بز بانها ی «ترکمنی» وازبکی» انتشار داد و جریدهٔ برچم منع کرده است ، اینا کوشیده طبق اصول خود با بن وظیفه ادامه دهد .

ولیی بعدا در اثـر مداخله غـیر قانو نی و زارت اطلاعات و کلتور ، آثار، برزبانهای مذکوره در پرابرنشر مطابع دو لتی از یا تعاضا کرد تا برچم صورت گرفته ، امید است نشرات به زبانهای غیر ا ز(پښتو ودری)را در برچم متوقف سا زیم. برای اینکه فیصله کان ارجمند را مطابع دو لتی از یا تعاضا کرد تا چو دو اما قعیت جریان گذاشته با شیم مکا تیب رسمی را کدربنمبر ۲۶۳ در بین وزارت اطلاعات و کلتور ،مطابع دو لتی و جریدهٔ برچم مبادله شده است دیلا نشر میگیتم .

یاد داشت اول بر چم ریاست مطابع دو لتی :

«ریاست محترم مطابع حولیی

چر یده بر چم شعری را زپایان «ازبکی» غرض نشر در شمارهٔ ۴۱ است ، اگر کدام امری رسیده باشد

از (ص اول)

نظری به ادعای وزیر ...

ملی بطور قابل ملاحظه ئی تفو به نیست . حیوانات نه تنها جما یه گردید ، دربنمودد کافی خواهد بود و وتکثیر نگردیده ، بلکه تقلیل هم که مطابق به اعتراف یك و زیردیگر یافته است .

همه از شکایت یك تعداد ازمالداران مناطق غربی کشور اطلاع دارند که چندی قبل هزاران راسی که مرض پا به ن م حمایه ووقایه از مرض پا تطبیق ادویه تقلبی و یا غلط تلف گردیده. اگر ادعای غرض ده هاملیون نبال که اخصائیه داده میشود و مبالغ هنگفتی به این عنوان همه ساله به مصرف میرسد ،درست می بود ، تاکنون افغانستان کاملا بایغانستانی باید مبدل میگردید ، در حا لیکه همه میدانند که او لا قسمت اعظم خاك افغانستان خشك و کاملا عریان است وثانیا از تعداد استعداد موجوده روز تا روز کاسته میرانـد ودر اثـر عدم مراقبت ، تهال های غر س شده خشك میگردد ، جنکلات طبیعی به طور اسف باری رویه نابودی میرود، بدون اینکه مراقبت موثر و جدی در زمینه صورت گیرد .

بس معلوم است که بالغاطی و نشان دادن با عمای سنج و سیر نشرات در باره دوی نوکل زندگانی تلبغ سر- ملی ترسیمی شناخته ،ممنوع قرار سخت پرده های رنگینی از تبلیغات داده است .

بر چم این تلقی مدیریت عمو می نشرات را ، در مورد تفسیر قانون اساسی درست نه پنداشته ومعتقد است که تثبیت دو زبان (پښتو و دری) به‌جزءزبانهای ملی ورسمی ، هر گز باعث آن نمیگردد که نشرات بسایر زبانهای محلی افغانستان و حتی به زبانهای خارجی در داخل افغانستان را نفی کند .

اگر ملی بودن و رسمی بودن (پښتو ودری) در قانون اساسی ، نشرات به زبانهای محلی افغانستان دردو زبان (پښتو ودری) دا افاده کند نا میسرمیباشد . پس روز نامهٔ کابل تا میز جا ، علی رغم این حکم نا قانون اساسی به زبان غیر ملی و غیر رسمی نشر میشود .

چرا رادیو افغانستان بزبانهای بلوچی ، اردو و زبانهای خا رجی نشرات می کند؟ وصلعا چرای دیگر؟

از متن قانون اساسی هم بر نمی آید که « ملی و رسمی بودن (پښتو ودری) ، نشرات در زبانهای محلی افغانستان را تحریم کرده باشد .

این طرز تلقی ، در مورد سایر زبانها ی محلی افغانستان ، خلاف منافع مردم افغانستان و ضد اتحاد و همبستگی مردم افغانستان است. فلهذا ما جدا" می خواهیم که مدیریت عمومی نشرات و وزارت اطلاعات و کلتور بر نظر با زی فا نون اساسی به نشرات زبانهای محلی افغانستان دست برداز شده وایـن قید غیر قانونی را ازسر نامه روز نامه ها و جرائد بشوارد وزود غیر آن ما مجبور بت وا هوا مورایت داریـم که موضوع را ، بعد از نشر درجریدهٔ برچم به محاکم عدلی رجعت دهیم . »

(محل امضاء مدیرمسؤول برچم)

تصحیح

درستون چهارم صفحه اول شماره گذشته، زیرعنوان «جنگ یا صلح....» جمله: «مصارف نظامی ایالات متحده امریکا در ۱۹۶۹ به ۱۵۰۰ ملیون دالر بالغ خواهد شد» چنین تصحیح شود: «درحالیکه تا مصارف نظامی امریکا دربودجه سال ۱۹۶۹ مبلغ ۱۵۰۰ ملیون دالر افزایش بمعل خواهد آمد.»

برچم

دامتیاز خاوند او مسؤل مدیر : سلیمان لایق

دولتی مطبعه

انتخاب میرمن روح افزا بارق

مادران صلح میخواهند

ای کودك د لفریب زیبا
ای میوه زندگانی من.
آینهٔ روشن است رویت
از کودکی وجوانی من .

من عمر عزیز رفته امرا
در دیدنو میکنم تماشا
بینم زدریچه های چشمت
آینهٔ پر سعادتی را .

چشمت مشعلهٔ درخشت است
چون اختر بخت تو درخشان
بوی نفس معطر تـو
آرام دلست وراحت جان .

آنکه که دودست کوچك تو
چون حلقه فتد بگردن من
گوئی بودم جهان دراغوش
لرزد زمحبتت تن من .

مادرچه فدائی عجیبی است
ازخود کدرد برای فرزند .
مادر دل وجان وزندگی را
بامهر کند فدای فرزند .

ای کودك دلنشین زیبا
وی نوگل زندگانی من
گر سر بدهم نمی سپارم
یك لحظه ترا بدست دشمن .

گر پشه به صورتت نشیند
از جای پرم ، شوم دگوگون
آخر چه تحملی که پیتم
افتی تومیان آتش وخون ؟

گر چشم مراکنند از جای
گرقلب مراکنند پاره
خاموش نشوم که شعله جنگ
آتش زنمت به ناگهاره

چون من همه مادران گیتی
دارند زجنگ نفرت وننگ
ای لعنت مادران دنیا
برهرکه فروزد آتش جنگ !

ژاله

د پاکستان او پشتو نستان

دخلکو زړوری مبارزی دبری درشل ته نیږدی کیږی

دمارشال ایوب خان، د استبدادی رژیم برضد، دپښتونستان اوپاکستان دخلکو دمظاهرو او اعتصابونو توفانی خیز، وزلړ تروخې پایلړی کیږی. دخلکو د اعتراضونـو او مبارزو، خلمی موج په همه مهوادګی دایوبخان دامستبداد زړه نه دخلکو د غوښتنـو د عظمت زلزلـه ننه ایسـتی ده. تراوسه پـوری د لمبـاو ایوب خـان مجبور شوچه خپل کسیر چن موقف به کټه ګړنـدی کوویر مومی.

دافغانستان دخلك دموكراتیك قوت، دخپلو ملی اوناریخی وظائفو داجراء له لرکې دپاکستان او پښتونستان دخلکو دانقلابی مبارزو پهنګ ملاتړ به کوی او ایمان لری چه دوی دخپلو مبارزو کې به خپل سرنوشت پخپله وټاکی.

سلطان علی کشتمند

وضع اقتصادی زحمتکشان

افغانستان

-۳-

حد و سطی مصرف فی نفر در روز فقط هشت افغانی است :

طبق احصائیه های رسمی «مصرف میزو سط سالانه فی نفر» از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۴۵ صرف ۴۳ افغانی تا ۱/۳ قسمت اضافه کردیده یعنی از ۳۱۰۴۰ افغانی به ۴۱۴۷ افغانی رسیده است ، واین افزایش کم جای هم در برابطی و طی مدتی صورت گرفته که به تناسب افشار کم و کم جای و تاوان کشور سا لها ی «رونق اقتصادی وکاره» بوده است. بیا یـد در نظر داشت که ازین رقم کم جای ۳۱۶۷ افغانی مصرف مـو سطسال به فی نفر) حا نوده های «رونمند و مرفه الحال

قسمت بیشتر را بـه مصرف رسانیده اند

کمترین عاید سرانه :

طی چندین سال عاید حقیقی و عاید رسمی آبان بمضاعف افزایش نیافته و یا در بعض شقوق انحطاط افزایش یافته است . واین افزایش بر اساس احصائیه های تخمینی عاید فی نفر در افغانستان کمتر از ۵۰ دالر درسال است و این ، یکی از کمترین عاید سرانه در جـهان می باشد، وآنهم بازدر نظر گرفتن افزایش نفوس سالانه و رشد فوق العاده بطی اقتصادی پائین بودن حتا نیمه بتابر اعتراف وزیر پلان

قدرت خرید تقلیل می یابد :

سطح دستمزد کار گران وسا یر زحمتکشان مردوز به مجارج و روز افزون زندگی هیچگونه تنا سبی ندارد .

طی سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ حد و سطی دستمزد سا لانه کار گران صنعتی ومعدنی از ۹۰۳۰ افغانی به ۱۳۲۳۵ افغانی یا ۴۷ فیصد از تنا سب حاصل کرده در حا لیکه طی همین مدت مجارج ز ندگی بتنا سب نه فرا تر بیشتری افزایش یا فته است

مطا بق شا خص مطلق قیمت ها (افغانی به کیلو گرام) مواد غذائی مورد احتیاج عمو می مردم در ۱۳۴۰ سال با ۱۳۴۵ بیش از دو بـا ر افزایش یا فته است : آرد کـنمم از دو نیم بار ، گوشت گاو و گوسفند بیشتر از یکبار ، تخم مرغ یکصد تیه برنج یکبار . . . قیمت یك کیلو گرام جای ۴۰ ـ ۵۰ افغا نی در سال ۱۳۴۰ ، به ۱۰۰ تا ۱۲۰ افغانی در سال ۱۳۴۵ رسیده وقیمت یك کیلو بوره از ۱۱ به ۱۶ افغانی.

با ملاحظه ارقام فوق میتوا ن گفت که قوهٔ خرید دستمزدکار گران در سال ۱۳۴۵ با ۱۹۴۰ قوهٔ خرید دستمزد آنان در سال ۱۳۴۰ بود ، است .

دستمزد کار گران مو قتو روز مزد و سایر ز حمتکشان خیلی تا زلتر است که حد اقل احتیاجات روز مرهٔ آنان و خانواده ها ی شان را نمیتوانند تأمین نمایند .

(ص ۲)

نظری به ادعای وزیر زراعت

(ازبیانیه‌بنا غلی‌انجنیرمیرمحمدآکبر رضاء وزیرزراعت وآبیاری، بتقر یب پنجاهمین سالگرد استقلال کشور منتشره شمارهٔ ۱۴۸ـ ۱۹ سنبله۱۳۴۷ روز نامهٔ انیس)

وزیر زراعت: «همکان رو شن استعمال دارند واز بنطریق « امرار معاش» می‌نما یند ، فتحا ری ندارد، بلکه ما به اساس سیاست نادرست ارتجاعی است که با سیاست عمدهٔ مردم افغانستان و بیوند منافع خود با طبقات استثمار گر و توده‌مند جامعه و یا روحیهٔ سازشکارانه در برا بر امپر یا لیزم ، نه تنها راه رشد سرمیع کشور ، بهصورت بنیادی تغییر داده نشود ، هر گز با خیرف و آز ژو نمی توان وضع را بهبود بخشید .

وزیر زارعت : «بایداز پروژه‌های زیر بنا زمینه نفسنات و فعالیتها ی اقتصادی در بهبود و وضع کشور ا ثر مثبت بجا خواهد گذاشت .

ایـنکه اعتـراف مـی گر دد حدی مساعد ساخته شد ویا طرح پالیسی های دقیق و علمی مساعدت ها و سرمایه گذاری های خا رجی جهت انکشاف اقتصادی کشورجلب گردید .

. . . کدا نظر به اهمیت مو قف آبیاری و زراعت در بنیاد اقتصادی کشور مصلحتـی و جـود دارد و «انکشاف همه جانبه افغانستان»در چوکات توام با زنجهای قرار دارد ، زیرافغانستان یك کشور زراعتی است از لحاظ اقتصادی حتی عقب مانده و رشد صنعتی شدن آن فوق العاده بطی و حتی درحکم هیچ

بنابر آن ازبحبحث مردم ما اجنبا ر هنگی به زراعت کهنه و عقب مانده کشور نهایی مانده اند ، نهاز جهت اینکه درین زمینه از نیرو ی کا و آسان استفاده صحیح به عمل می- آیدونه ازین طریق عایدی میتوانند به- دست اورند که حد اقل حوا یج روز مرهٔ شان تامین گردد ، اینکه ازعاید کرد زراعت « بر جسته ترین راه امرار معیشت » مردم را تشکیل میدهد صحیح نیست . حقا یق نشان میدهد که اصلا حد او سط دولت به تأسی ازحصلت سیستمهای اجتماعی و سیاسی شان در باره طبقات استثمار گر و توده‌مند جامعه و نیروهای ارتجاعی هم زنان زراعتی را حدی نا ز لی تا جیز است که هیچ نوع برجستگی ایرانی‌خویش در آن دیده نمی‌شود .

از آنجائیکه ما سیاستاتو لیـد عقب ماندهٔ فیودالی و بورژوا کمپرادور ، بنابر ماهیت استعماری آن وهم‌بلند گوی سیاسی آنکشور طبقهٔ فیودال ملاکین، که تنها زراعت و آبیاری را در جـمله وظایف خود میداند ، بنابر ماهیت طبقاتی خود ، هیچ‌گاه نمی‌تواند و نمیخواهد که به اصلاحات بنیادی در زراعت دست بزند ، زیرا این کار به ضرر منافع طبقاتی خود او تمام میشود .

وزیر زراعت: «بایداز پروژه‌های زیر بنا زمینه تسنات و فعالیتها ی اقتصادی در بهبود و وضع کشور ا ثر مثبت بجا خواهد گذاشت .

ایـنکه اعتـراف مـی گر دد حدی مساعد ساخته شد ویا طرح پالیسی های دقیق و علمی مساعدت ها و سرمایه گذاری های خا رجی جهت انکشاف اقتصادی کشورجلب گردید .

. . . کدا نظر به اهمیت مو قف آبیاری و زراعت در بنیاد اقتصادی کشور مصلحتـی و جـود دارد و «انکشاف همه جانبه افغانستان»در چوکات توام با زنجهای قرار دارد ، زیرافغانستان یك کشور زراعتی است از لحاظ اقتصادی حتی عقب مانده و رشد صنعتی شدن آن فوق العاده بطی و حتی درحکم هیچ

بنابر آن ازبحبحث مردم ما اجنبا ر هنگی به زراعت کهنه و عقب مانده کشور

به سلسلهٔ لغات و اصطلاحات سیاسی :

دربارهٔ حزب ومفهوم آن

- ۲ -

اجزا تشکیل کنندهٔ یك حزب :

حزب پیشاهنگ طبقهٔ کار گر از لحاظ ساختمان داخلی خود مرکب از سه قسمت اساسی است :

۱ ـ رهبری ،

۲ ـ کادر ،

۳ ـ اعضاء عادی یاصفوف حزبی، دستگاه رهبری مغز سازمان و نیروی هدایت کننده آن در مبارزهٔ اجتماعی است . کادر ها عبارت از آن اعضاء حزبی اند که در امور مختلف فعالیت سازمانی تخصص پیدا کرده اند وارگانهای مختلف آنرا اداره مینمایند . اینها دارای مسوولیت های گوناگون بوده و فعالین حزب راتشکیل میدهند .

اعضاء عادی یا صفوف حزبی، بدنهٔ اساسی حزب را تشکیل میدهند و عناصر اکثر طبقات زحمتکشند که مرامنامه و اساسنامه حزب را قبول ودرآن شرکت مینمایند تادر مبارزه تئوریك ، اقتصادی و سیاسی حزب ودر اشکال مختلف مبارزات آن فعالانه سهم گیرند . حاصلهٔ مبارزه وثمر بخشی فعالیت حزب بسته به آن است که دستگاه رهبری به بهترین وجه وظایف را تشخیص و در اجرای نماید ، مجبر به کادر های ورزیده و آبدیده باشد و اعضاء اکثر از طرف رهبری و کادر ها بدرستی پرورش یابند و صحیحا در مبارزه سوق و رهبری گردند .

مختصات ضروری یك حزب :

حزب طراز نوین طبقهٔ کار گر باید دارای مختصات زیرین باشد :

۱ ـ داشتن مرامنامه علنا تنظیم شده ئی درباره هدفهای اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی حزب ،

۲ ـ داشتن اساسنامهٔ بمثابه مقررات زندگی سازمانی ،

۳ ـ داشتن خط مشی روشن استراتیژیك و تاکتیکی ،

۴ ـ مجرب بودن به شعار های مصرح و روشن ،

۵ ـ داشتن ساختمان سازمانی مشخص و مناسب باشرایط روز زمان و مکان و مبارزه ،

۶ ـ داشتن پیوند وسیع بامردم ازطریق سازمانهای توده ای ووسایل ارتباطی دیگر ،

۷ ـ شرکت مبتکرانه و فعال در مبارزه روزمره و اجراء نقش موثر درتکامل جامعه .

هریك ازین حلقات اگر مفقود باشد آن حزب دچار لنگش میشود وشخصیت خودرا بعنوان یك حزب انقلابی از دست میدهد .

سنترالیزم ـ دموکراتیك ، اصل عمدهٔ سازمانی :

اصول ساختمان سازمانی یك حزب طراز نوین از نقشی که در جنبش طبقهٔ کارگر ایفاء مینماید و از ماهیت اهداف ووظایف آن ناشی میشود .

منافیکه حزب طبقهٔ کار گرمیبین آنست ، جمع سادهٔ منافع خصوصی کارگران نبوده ، بلکه مبین منافع تمام طبقهٔ از طریق اتحاد مشترك آنها میباشد که فعالیتهای متفرد را متوجه مبارزهٔ مشترك پیوند میدهد . دریك مبارزهٔ مشترك یکپارچه ، تنها یك رهبری **متمرکز** قادر به متحد ساختن تمام نیرو ها ورهبری آن بسوی هدفی واحد و پیروندادن فعالیتهای ناهماهنگ کار گران و گروپ های کار گران متفرد بوده میتواند به «مرکزیت مطلق و انضباط محکم زحمتکشان» یکی از شرایط اساسی بیروزی علیه بورژوازی است» .

ـ انضباط آهنین حزبی و تبعیت اقلیت از اکثریت ، پس از اتخاذ تصمیم دموکراتیك و تبعیت ارگانهای مادون از فیصله های ارگانهای مافوق و عضو سازمان از تصمیمات سازمانی .

ـ یکسانی انضباط برای تمام اعضاء در هر مقامی که باشند .

ـ اجراء اصل رهبری جمعی و مسوولیت فردی .

موازین سازمانی زندگی حزبی براساس سنترالیزم ـ دموکراتیك قرار دارد . مراعات اکید این اصل ایجاد نظم آهنین ، قانون انکار ناپذیر فعالیت حزبی وجه تمیزدهنده ، بدینمعنی که: زرین ، قانون انکار ناپذیر فعالیت احزاب طراز نوین است . این موازین مقایسه نظرات و پیشنهادات مختلف واسیبی اتحاد تشویع ومصوبات این ارادهٔ مشترك که بدینترتیب ایجادمیکردد نوین، اصل سنترالیزم ـ دموکراتیك کاملترین و صحیحترین پاسخ به نیازمندی های عینی مبارزه طبقاتی زحمتکشان میباشد .

بنابرآن سنترالیزم حزب طراز

(ص ٤)

(ازص اول)

وضع اقتصادی زحمتکشان...

بهره کشی ازکار زنان وکودکان:

زنان و کودکان کهدر کار گاههای کوچك و دستی و عمدتا در کارگاه های قالین بافی کارمینمایند ازلحاظ استثمارشدیدتر ازهرکارگرمرد میگردند. صحت ، طراوت و زیبائی زنان در قالین باف در اثر کار توان فرسا قربان چندلقمه نان میگردد، بسیاری از کودکان در نتیجه کار تحمل شکن ۱۰ ـ۱۲ ساعت و فقدانغذای کافی دورهٔ طلائی طفولیت راازدیده ، قبل از اینکه جوان شوند به پیری میرسند و قبل از آنکه بپیر گردند، میمیرند .

همچنان کار کودکان علی رغم آنکه قوانین کار، آنرا منع کرده است، بطور وسیعی در کار خانه ها ی نساجی و غیره در برابر مزدناچیزی مورد استفاده قرار میگیرند. از آنجائیکه مقاومتحرك یکه تازمرها به داران است ، بنابران از آنان ، از لشکر عظیم بیکاران برای به د ن تغییر نگهداشتن مزد کار کن ن استفاده کرده و کار گران جوا نزا بجای کار گران مسن و کار گران کودکان و نا جدودی زنان را بجا ی کار مردان می نشانند وبدینترتیب کار کر اقتباعی بایدی ارزان و جوا نی خودرا بهبود داده و عمری کار کرده اند بکلی از هستی و زندگی ساقط ،.....و غیره خیلی نا جیز است که برای کدران شبا روزی آنها به هیچوجه کافی نمی باشد.

ارقام متوسط مصرف کار برای بدست آوردن احتاس ضروری تنامین میدهد که کار کر کشور ما اقلا ۱۵ تا ۲۰ درجه بدتر از کار کران کشور های از لحاظ اقتصادی بیشتر درجه زندگی میتمایند .مثلا: برای به دست آوردن یك کیلو گوشت کار کر افغانی باید ۸ـ۹ ساعت کار نماید ،در حالیکه این مقدا ر برای یك کار کر کشوری بیشرفته در بر ابر کمتر از یك ساعت کار میسر می باشد و به همین تر تیب برای خریداری یك جوزه پوت جدید بقیمت متو سط کار کر افغانی لازم دارد که ۸۰ تا ۱۰۰ ساعت کار تمام ، در حا لیکه در معیار کشو و کوتاکون شنا ندهندهٔ آنست که هشت ساعت برای استیفاع آن کافی است .

در برابر یکچوبره پوت۱۰۰ساعت کار :

پائین بودن سطح دستمزد وعاید زحمتکشان نشاندهندهٔ آنست که اکثریت سکانین کشور درچه شرایط سخت اقتصادی بسر میبرند.عاید دهقا نان بی زمین و مزدو ران زراعتی ها هانه کمتر از بنجصد افغا نی ومزد کار گران روز مزد ها هوا ر کمتر از ۱۰۰۰ افغانی است. عاید روزانه حمال ها (چارپانیها) ، طواقیا، دوره گردها ، شاگردان حمامی ، شاگردان رستورانها و مسافرا نچی ها ، پیشه وران روز مزد ،دکانداران کم بضاعت ها نند بقالان سر کوچه وغیره خیلی نا جیز است که برای گذران شبا روزی آنها به هیچوجه کافی نمی باشد.

رفاهیتی برای زحمتکشان و جود ندارد :

و سایل زندگی و رفاهیت ازقبیل غذای کافی وباکیفیت ، لباس،خوب، مسکن صحی و انسانی ، فرش و ظرف در دست و کافی جزء رو یاهای زحمتکشان افغانستان است تا چه رسد به داشتن کلی ها ، کتابخانه‌ها ودیگر امکانات فرهنگی . صرفغدد در رستوران و رفتن به سینما هنوز برای ز حمتکشان کشور امری تجملی شمرده میشود .

مصارفی را که دولت برای رفاه مردم باید انجام دهد درافغانستان نا چیز حالیکه قسمت بیشتر عواید جا ری دولت از طریق ما لیت غیرمستقیم حصول میکردد که قسمت اساسی آنرا زحمتکشان می پردازند (۷۰۰۰ ، ٦٤٤ ، ۵۱۳ ، ۲ ـافغانی ها لیات غیر مستقیم ، نزیارت بر ۷۰۰۰ ، ۵۳٤ ، ۵٤۸ ـافغانی مالیات مستقیم درسال ۱۳٤٦) ،امامصارفیکه در امور جمعه ا ن ، دولتی و دوکتورین هالشتاین که میگویند: «تنها جمهوریت بالیات ضرر دا تحت مطالعه قرارداده ودیدین طریق روابط سیاسی خود را کنده درعمل رد می‌کردد .

نوین طبقهٔ کارکر ، سنترالیـــزم ـ دموکراتیك ، بدینمعنی که : مینی بر ارادهٔ وسیعترین بخش عضویت حزب میباشد .

مهمترین جهات سنترالیـــزم ـ دموکراتیك در عمل عبارت است از:

ـ انتخابی بودن ارگانهـــای رهبری کننده .

ـ گزارش دهی منظم توسـط مقامات حزبی به سازمانهای حزبـی وارگانهای بالاتر .

ـ انضباط آهنین حزبی و تبعیت اقلیت از اکثریت ، پس از اتخـاذ تصمیم دموکراتیك و تبعیت ارگانهای مادون و عضو سازمان از تصمیمات سازمانی .

ـ اجراء مبلغ برای تمام اعضاء اجرا اصل رهبری جمعی و مسوولیت فردی .

(ص ٤)

زیاد ایستوکو او کوچنی اومتوسطی بورژوازی ترمینځ تضادونه اودقومونو اوقبایلو ترمینځ تضادونه د "نور، گرد سره یخلا کیدونکی (غیرانتاگو نیستی) تضادونه دی .

زمونږ دهغه راډیکاله اوسنیو شرایطوکې، عمده تضاد دبرگزارنو اوفیوډالوملاکینو ترمینځ اود «خلك» او او کراسی (مطلقه حکومت) او اهریالیزم ترمینځ موجود دی. په اوسنی وضعه کې، په کلی توګه طبقاتی مبارزه، دکارګر طبقی او «ملی بورژوازی» ترمینځ ، دخلکو ترمینځ دمبارزی یوه برخه ده؛ داځکه چه «ملی بورژوازی» زمونږ په هیواد کی چه لاتراوسه درشد په ابتدایی مرحله اوبه متوسطه طبقه‌گی داخله ده، غیرګولوژی(دوګانه) خصلت لری. په او سنیو شرایطوکې د په امپریالیستی مخالف سره ارتباط نلری، دضد امپریا لیستی او ضد فیوډالی انقلاب و وظائفو په سرته رسولوکې یو غینی توګه ډینغه ده. بنابرډی دهغی دنسبی مترقی برخی اخیستلو امکان موجود دی .

مګر بایدیه کلکه په نظر کی ونیول شی چه که په دولتی اقتصاد کښو (برخه) پټاړوی نشی او دغیر سامایه داری تکامل لاره وتړه نیول شی، او خصوصاً دنسبتاً ډوډه‌ئی ترملی شکل انعکاس کوی اوحتی داسمالی، دهغوئنی (سرکردګی) په لحاظ ، دکارګر طبقی دسیاسی سازمان او دملی دموکراتیکی جبهی د نه‌تر‌بتی لاندی، دښاریانو او کلیوالو ترمینځ تضاد، دمرکز(کابل) اوولایاتو ترمینځ تضاد، دپښتنو او غیر پښتنو ترمینځ تضاد، دسوداګرو او صنعتګرو ترمینځ تضاد، دمذهبی او غیر مذهبی ډلو ترمینځ تضاد، دکلیوالو او کوچنیو زمینډارانو ترمینځ تضاد، دښاری کسبګرو او وړو کانو ترمینځ تضاد، دښاری بیکارانو او کار ګرانو ترمینځ تضاد، دښاری بیکارانو او کلیوالو ترمینځ تضاد، دکلیوالو او کوچنیو زمینډارانو ترمینځ تضاد، دکوچنیو زمینډارانو او مترقی بورژوازی ترمینځ تضاد، دمترقی بورژوازی او ملی بورژوازی ترمینځ تضاد، دملی بورژوازی او کمپرادورو ترمینځ تضاد، دکمپرادورو او فیوډالانو ترمینځ تضاد، دکمپرادورو او کلیوالو ترمینځ تضاد، دکمپرادورو او کوچنیو زمینډارانو ترمینځ تضاد، دکمپرادورو او مترقی بورژوازی ترمینځ تضاد، دکمپرادورو او ملی بورژوازی ترمینځ تضاد، دکمپرادورو او کارګر طبقی ترمینځ تضاد، دکمپرادورو او ټولو ترمینځ تضاد، دفیوډالانو او کلیوالو ترمینځ تضاد، دفیوډالانو او کوچنیو زمینډارانو ترمینځ تضاد، دفیوډالانو او مترقی بورژوازی ترمینځ تضاد، دفیوډالانو او ملی بورژوازی ترمینځ تضاد، دفیوډالانو او کارګر طبقی ترمینځ تضاد، دفیوډالانو او ټولو ترمینځ تضاد، دکوچنیو زمینډارانو او مترقی بورژوازی ترمینځ تضاد، دکوچنیو زمینډارانو او ملی بورژوازی ترمینځ تضاد، دکوچنیو زمینډارانو او کارګر طبقی ترمینځ تضاد، دکوچنیو زمینډارانو او ټولو ترمینځ تضاد، دمترقی بورژوازی او ملی بورژوازی ترمینځ تضاد، دمترقی بورژوازی او کارګر طبقی ترمینځ تضاد، دمترقی بورژوازی او ټولو ترمینځ تضاد، دملی بورژوازی او کارګر طبقی ترمینځ تضاد، دملی بورژوازی او ټولو ترمینځ تضاد، دکارګر طبقی او ټولو ترمینځ تضاد، دټولو ترمینځ تضاد، دټولو ترمینځ تضاد، د